

مری ولستون کرافت



رساله‌های زنان فیلسوف در تاریخ فلسفه

مارتین رویتز

مریم میرزایی

www.ketab.ir



سرشناسه	رویتر، مارتین
عنوان و نام پدیدآور	مری ولستون کرافت، مارتین رویتر
مشخصات نشر	مترجم مریم میرزایی.
مشخصات ظاهری	تهران: نشر جمهوری، ۱۴۰۳.
شابک	۱۳۲ ص
وضعیت فهرست نویسی	۹۷۸-۶۰۰-۴۶۸-۱۷۵-۹
موضوع	فیبا
شناسه افزوده	فلسفه
رده بندی کنگره	میرزایی، مریم، مترجم
رده بندی دیسی	۱۴۰۳ PR
شماره کتابشناسی ملی	۸۲۳/۷ م ۱۴۰۳ ر ۸۶۳
	۹۶۱۸۱۲

www.ketab.ir

Mary Wollstonecraft

• مری ولستون کرافت

نشر: جمهوری، چاپ اول ۱۴۰۳

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹-۱۷۵-۴۶۸-۶۰۰-۹۷۸

دبیر مجموعه: آزاده زارع

لینوگرافی، چاپ، صحافی: ترنج

ویراستار: مجید خالصی

صفحه آرایی: تحریریه نشر جمهوری

حق چاپ برای ناشر محفوظ می‌باشد.

نشر
جمهوری



دفتر و فروشگاه مرکزی: خیابان انقلاب، فخررازی، شهرک اندام، مری غربی، شماره ۸۸

تماس: ۰۲۱۶۶۴۸۵۱۱۴ - ۰۹۱۹۱۹۹۳۷۹۶

فروشگاه ۱: خیابان جمهوری، مقابل خیابان صف، شماره ۲۳۰

تماس: ۰۲۱۳۳۹۳۰۳۹۰

🌐 jomhooripub.com

📷 jomhooripublication

✉ nashre.jomhoori@gmail.com

فهرست

۹	چکیده
۱۱	مقدمه
۱۷	عقل ۲
۱۷	۲/۱ عقل و مشیت
۲۱	۲/۲ عقل و آزادی
۲۸	۲/۳ تمرین عقل
۳۵	۳ احساس
۳۷	۳/۱ نقش احساسات به عنوان پشتیبان ضروری
۴۴	۳/۲ احساسات شدید، احساسات عالی و ...
۵۳	۴ تخیل
۵۵	۴/۱ دامنه تخیل
۶۲	۴/۲ تخیل به عنوان نیروی محرکه
۷۱	۵ عشق و دوستی

۷۴	 ۵/۱ زمینه قرن هجدهم
۷۸	 ۵/۲ عشق و احترام
۸۵	 ۵/۳ مفهوم عشق و مستون کرافت
۹۱	 ۶ دانش
۹۱	 ۶/۱ انتقاد از دانش جنسیتی
۹۴	 ۶/۲ ظرفیت های ذاتی و ویژگی های تجربه گرایانه
۱۰۵	 ۷ فضیلت
۱۰۶	 ۷/۱ رتالیسم اخلاقی
۱۰۹	 ۷/۲ آزادی و برابری
۱۱۲	 ۷/۳ وحدت فضیلت
۱۱۶	 ۷/۴ ذهن و بدن
۱۱۸	 ۷/۵ فضیلت ارسطویی یا افلاطونی؟
۱۲۲	 ۷/۶ وظایف انسانی
۱۲۶	 ۸ نتیجه گیری

چکیده

مری ولستون کرافت به عنوان یکی از چهره‌های مهم موج اول فمینیسم شناخته شده است. این اثر ادعا می‌کند که او فیلسوفی اخلاقی نوآورانه‌ای بود که نشان داد فضیلت حقیقی و آزادی زنان لزوماً به هم وابسته نیستند. این متن شامل هشت بخش است. پس از مقدمه، بخش دوم مفهوم ولستون کرافت از عقل را با بررسی بنیان متافیزیکی‌اش و نقش آن در مقام صلاحیت اخلاقی را مورد بحث قرار می‌دهد. به عقیده ولستون کرافت، عقل با احساس تعاملی نزدیک دارد. سپس، بخش‌های سوم و چهارم به بحث پیرامون نقش احساس و تخیل می‌پردازد. عقل، اشتیاق و تخیل همگی در مباحث ولستون کرافت با عشق و دوستی که موضوع فصل پنج است همسو می‌شوند. ولستون کرافت برای آموزش و دانش ارزش قائل است، اما در مورد معرفت‌شناسی بحث زیادی نداشته است. بخش ششم برخی از جنبه‌های دیدگاهش در مورد دانش را تحلیل می‌کند و بالاخره در بخش هفتم مفهوم فضیلت ولستون کرافت، از جمله روابطش با آزادی و وظیفه را مورد بحث قرار می‌دهد. در بخش هشتم نتایج کلی بیان می‌شود.

واژگان کلیدی: فیلسوف، اخلاق گزار، انتقاد، پیش داوری، سوء استفاده

www.ketab.ir

مقدمه

مری ولستون کرافت در مقطعی در اثر مشهور خود به نام دفاعیه‌ای از حقوق زن (۱۷۹۲) خود را فیلسوف و اخلاق‌گرا معرفی می‌کند. او می‌نویسد: «من به‌عنوان فیلسوف، با خشم صفت‌های فریبنده‌ای را می‌خوانم که مردان برای نرم کردن توهین‌های خود به کار می‌برند؛ و به‌عنوان یک اخلاق‌گرا، می‌دانم که منظور از ترکیب‌های نامتجانسی مانند نقص‌های زیبایی، ضعف‌های دوست‌داشتنی و غیره چیست؟» (آثار ۵: ۱۰۳). هدف انتقادم از «فیلسوف خردمند» یا «کوته‌بین» است (آثار ۵: ۱۳، ۵۷). اخلاق‌گرایان نیز به همین صورت در تفکر خود محدود هستند، زیرا اغلب نظرات متعصبانه‌ای در مورد زنان دارند (مانند آثار ۵: ۱۳۰). ولستون کرافت با معرفی خود به‌عنوان فیلسوف و اخلاق‌گرا، تأکید می‌کند که مشکل سوءاستفاده از این رشته‌ها است، نه خود رشته‌ها. برای این‌که او را فیلسوفی اخلاق‌گرا بدانیم، باید از اینجا شروع کنیم.

در تعریف مثبت، فیلسوف کسی است که در جستجوی حقیقت است و اخلاق‌گرا مدافع اصول صحیح اخلاق است که وابسته به کمال و قدرت است و نه نقص و ضعف. ولستون کرافت

عاشق پرشور حقیقت است. او مفهوم گسترده‌ای از عقل ارائه می‌کند (که در بخش ۲ در موردش صحبت می‌کنیم)، اما از عقل به‌عنوان توانایی درک و حتی تمایل به حقیقت جانبداری می‌کند. تصادفی نیست که وقتی ولستون کرافت با تأیید از «فیلسوف بزرگ» صحبت می‌کند، به افلاطون اشاره می‌کند که شهرتش به خاطر شرح دانش شهودی-در مقابل قیاسی است (آثار ۵: ۲۳؛ همچنین توماسلی ۲۰۱۹). او در اثر مشهور خود دفاعیه‌ای از حقوق زن (۱۷۹۲)، از افلاطون و جان میلتون به‌عنوان منشاء این تفکر یاد می‌کند که عشق زمینی می‌تواند به عشق آسمانی منتهی شود که در نهایت عشق به کمال است (آثار ۵: ۴۶). افلاطون ولستون کرافت از افلاطون مسیحی شده اشعار میلتون و نوشته‌های ریچارد پرایس الهام گرفته شده است.

۱. ما نمی‌دانیم که ولستون کرافت کلماتی از افلاطون را خوانده است یا خیر. او هیچ اشاره مستقیمی به آثار او یا خواندنشان نمی‌کند. ادعا شده است که هیچ ترجمه انگلیسی از آثار افلاطون در دسترس او نیست (بگز و کافی ۲۰۱۶: ۷)، اما همان‌طور که کارن گرین (۲۰۱۹: ۲۳۱) اشاره کرده است، چنین نیست. مثلاً ولستون کرافت به فایدون یا جاودانگی نفس، از افلاطون فیلسوف الهی (افلاطون ۱۷۷۷) و ضیافت، گفتگوی افلاطون در مورد عشق (افلاطون ۱۷۶۷؛ در صفحه عنوان نوشته شده «بخش دوم»، اما این جلد شامل کل بحث‌های افلاطون است) دسترسی داشته است. برخی از محققانی که افلاطونی‌گرایی ولستون کرافت را مورد بررسی قرار می‌دهند، به جای تمرکز بر ترجمه‌های موجود در زمانی که ولستون کرافت کار نویسندگی خود را آغاز کرد، بر آشنایی احتمالی او در دوران جوانی با توماس تیلور متمرکز شده‌اند که در سال ۱۷۹۲ ترجمه انگلیسی فدروس افلاطون را منتشر کرد (تاد ۲۰۰۰: ۲۷، ۴۶۱ ش ۱۳؛ توماسلی ۲۰۱۹). من بیشتر احتمال می‌دهم که ولستون کرافت ترجمه‌های منتشرشده از دیالوگ‌های افلاطون را خوانده باشد، به‌ویژه ترجمه‌هایی که بر موضوعات زیبایی، عشق و جاودانگی متمرکز دارند، تا این‌که به ترجمه منتشرنشده تیلور در زمان نوشتن حقوق مردان و حقوق بشر دسترسی داشته باشد. تیلور در اوایل دهه ۱۷۹۰ از مخالفان آرمان حقوق زنان بود.

ریچارد پرایس یکی از سه مخاطبی است که تفسیر من از فلسفه اخلاق ولستون کرافت را شکل می‌دهد. دو نفر دیگر ژان ژاک روسو و کاترین مک‌آلی هستند. پرایس تنها کسی بود که ولستون کرافت شخصاً می‌شناخت، اما هر سه متفکر از این نظر که ولستون کرافت آثار آن‌ها را با جزئیات مورد بحث قرار داده، مخاطبان مناسبی هستند. ولستون کرافت اولین اثر صریحاً فلسفی خود، دفاع از حقوق بشر، را به‌عنوان انتقادی بر حمله ادموند برک به دفاع پرایس از انقلاب فرانسه نوشت. از سوی دیگر روسو از نظر شهرت، مشهورترین همکار ولستون کرافت است. او در دوران فعالیت فکری خود با آثار روسو وارد گفتگوی انتقادی شد و هم از نبوغ او (نامه‌ها: ۱۱-۱۵) و هم از دیدگاه‌های او در مورد تربیت اخلاقی زنان (مانند آثار ۱۱-۱۲) انتقاد شدید کرد. در نهایت مک‌آلی که یکی از مشهورترین زنان روشنفکر زمان خود بود هم به‌عنوان الگو و هم به‌عنوان منبعی فلسفی برای ولستون کرافت تأثیر گذاشت. نمی‌دانیم ولستون کرافت تا چه حد با آثار مک‌آلی قبل از خواندن نامه‌های درباره آموزش (۱۹۷۰) آشنا بود، اما بررسی طولانی ولستون کرافت از این اثر یکی از بحث‌های نظام‌مند او در مورد چندین پرسش فلسفی اساسی از جمله مسئله آزادی اراده است (آثار ۷: ۲۲-۳۰۹). همچنین واضح است که انتقادات مک‌آلی در مورد شرح روسو از فضیلت جنسیتی تأثیر عمیقی بر انتقاد مفصلی که ولستون کرافت در کتاب دفاعیه‌ای از حقوق زن داشت، که کمتر از دو سال پس از بازبینی منتشر شد (همچنین به

که در کتاب بی‌نام خود به نام «استحقاق حقوق احمق‌ها» (۱۷۹۲) به تمسخر گرفته شد. به تاد (۱۸۵، ۴۷۴: ۲۰۰۰ ش ۲۱) رجوع شود.

گانتز - کاندا ۲۰۰۳ مراجعه شود).

می‌دانیم که این سه نویسنده بر اندیشه فلسفی ولستون کرافت تأثیر گذاشته‌اند، اما هدف اصلی من ردیابی تأثیرات نیست. من ترجیح می‌دهم به آثار آن‌ها - و چندین متفکر دیگر - اشاره کنم تا زمینه فلسفی را که ولستون کرافت اندیشه‌های خود را در آن رشد داد، ترسیم کنم. گاهی اوقات مقایسه‌های من کمی عمیق‌تر به موضع‌هایی می‌پردازد که او فقط به آن‌ها اشاره کرده است. گاهی برای نشان دادن ویژگی‌های اندیشه‌اش به تفاوت‌های بین نویسندگان اشاره می‌کنم. مفصل‌ترین بحث‌های ولستون کرافت در باب فلسفه اخلاق در دفاعیه‌ای از حقوق زن می‌باشد. منبع اصلی من آن کتاب است که در صورت لزوم با نوشته‌های دیگرش کامل می‌شود.

همانند بسیاری از فیلسوفان زن دیگر، ولستون کرافت مورد توجه محققان قرار گرفته است. علاوه بر بیوگرافی‌های زیادی که زندگی پر حادثه او را روشن می‌کند (مانند تاد (۲۰۰۱)، تک‌نگاری‌های ویرجینیا ساپیرو (۱۹۹۲)، وندی گانتز - کانادا (۲۰۰۱)، باربارا تیلور (۲۰۰۳)، ناتالی فونرر تیلور (۲۰۰۷)، و سیلوانا توماسلی (۲۰۲۱) مطالعات مفصلی بر نوشته‌های او در مورد دیدگاه نظریات سیاسی و تاریخ فکری انجام داده‌اند. فیلسوفان در سال‌های اخیر به شدت بر مفهوم آزادی ولستون کرافت که به عنوان آزادی از قدرت خودکامه تعریف می‌شود، تمرکز کرده‌اند، مانند قدرت پادشاهان نامشروع یا قدرت شوهران بر همسران، که به عنوان اشخاص حقوقی از حقوق کامل برخوردار نیستند. این تفسیر، که ولستون کرافت را در سنت جمهوری خواهانه اندیشه سیاسی قرار می‌دهد، به شدت

مورد حمایت لنا هالدنیوس (۲۰۰۷، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶)، آلن کافی (۲۰۱۳، ۲۰۱۴، ۲۰۱۶) و ساندیرین برگس (۲۰۱۳، ۲۰۱۶) قرار می‌گیرد. هالدنیوس گفتگوی انتقادی ولستون کرافت با سنت جمهوری خواه را با جزئیات زیاد دنبال و فلسفه سیاسی فمینیستی برآمده از این گفت‌وگو را تحلیل می‌کند (هالدنیوس ۲۰۱۵).

تفسیر من از فلسفه اخلاقی ولستون کرافت در خوانش جمهوری خواهانه گنجانده شده است، نه به این دلیل که سه مخاطب اصلی بحث من - پرایس، روسو و مک‌آلی - از مهم‌ترین جمهوری خواهان هم‌عصر ولستون کرافت هستند، بلکه تأکید من بر چیز دیگری است. به جای بحث درباره تحلیل‌های دقیق او از قدرت خودکامه یا مفهوم آزادی و پیامدهای سیاسی آن، بر روانشناسی اخلاقی او و سنای متافیزیکی آن تمرکز می‌کنم. دیدگاه‌های متافیزیکی ولستون کرافت یا دیدگاه‌های الهیاتی‌اش در هم تنیده شده است و امیدوارم نشان دهم که به ما توجه به مورد دوم، در نظام فکری او که ممکن است در سطحی غیر نظام‌مند به نظر برسد، انسجام فلسفی یافت می‌شود.

این اثر شامل شش بخش موضوعی است و در پایان یک نتیجه‌گیری ارائه می‌شود. ابتدا، در بخش ۲، مفهوم ولستون کرافت از عقل را با بررسی روابط متافیزیکی آن با مشیت و آزادی و همچنین نقش آن به عنوان مهم‌ترین ظرفیت ذهنی بیان کردم. از دید ولستون کرافت، عقل پا به پای احساس عمل می‌کند. در بخش ۳ نقش‌های مختلف احساسات را بررسی می‌کنم، و در بخش ۴، از نقش تخیل می‌گویم که سومین ظرفیت ذهنی است که اساس روانشناسی اخلاقی ولستون کرافت را تشکیل می‌دهد. عقل،

احساس و تخیل همگی در بحث‌های ولستون کرافت در مورد عشق و دوستی در بخش ۵ گرد هم می‌آیند. می‌دانیم که ولستون کرافت برای آموزش و دانش ارزش قائل است، اما معدودی از محققان از معرفت‌شناسی او سخن گفته‌اند. در بخش ۶، برخی از جنبه‌های دیدگاه او را در مورد دانش، با تمرکز بر عناصر فطری و تأثیرات تجربه‌گرایانه تحلیل می‌کنم. سرانجام، در بخش ۷، مفهوم فضیلت ولستون کرافت، از جمله وحدت و روابط آن با آزادی و وظیفه را مورد بحث قرار می‌دهم.

www.ketab.ir